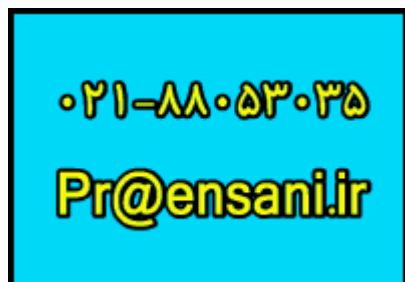


ادبیات | اقتصاد | تاریخ | تربیت بدنی | جغرافیا | حقوق | روانشناسی | زبان شناسی | علوم اجتماعی | علوم اسلامی | علوم سیاسی | علوم کتابداری | فلسفه و منطق | مدیریت | مطالعات زنان



تاریخ < ایران اسلامی > حکومت های ایرانی- اسلامی < انقلاب اسلامی > سیاسی
کد مطلب: 11614 تاریخ انتشار مطلب: 1385 تعداد نمایش: 586

شوک نفتی سوم

بهرام نوازی

چکیده: قطع جریان صدور نفت ایران در بحبوحه انقلاب اسلامی صرفا پدیده ای زودگذر و ناشی از تحولات داخلی نبود، بلکه اقدامی استراتژیک برای ضربه زدن به اقتصاد سرمایه داری غرب محسوب می شد که زمینه تشکیل قطب اقتصادی جهان اسلام را فراهم می کرد. البته تاثیر آن بر قطع حمایت غرب از شاه و منفعل شدن غرب در برابر انقلاب اسلامی نیز در جای خود محفوظ بود اما ابعاد آن سالهای پس از پیروزی انقلاب را نیز در بر گرفت. به هرروی استفاده از اهرم نفت علیه استعمارگران و ایجاد گسیست در سیستم امنیتی منطقه را می توان از ابعاد خارجی انقلاب اسلامی برشمرد و با مطالعات اصولی و روشمند پیرامون آن، بر غنای انقلاب شناسی افزود. مقاله زیر با این رویکرد پیش روی شما قرار دارد.

در جریان انقلاب اسلامی، نفت به یک عامل موثر در تحولات روابط بین الملل تبدیل شد که از آن به شوک، تکان یا ضربه نفتی سوم یاد می شود. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، کشورهای نفت خیز تلاشهای بسیاری به عمل آوردند تا به جایگاه موثری در صحنه روابط بین الملل دست یابند و از طریق معامله نفت - که سوخت غالب صنایع کشورهای صنعتی غربی را تشکیل می داد - به خواسته های خود برسند، اما هیچ یک تاثیر بیشتری و مهمتر از انقلاب اسلامی نداشتند که موجب شد توجه جهانیان به ایران و حوادث آن بیش از پیش جلب شود. مقاله حاضر با بررسی تاثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر تولید و صدور نفت خلیج فارس که به شوک نفتی سوم معروف شد، و نیز با تشریح نگرانیهای غرب و امریکا از اختلال در زمینه تولید و عرضه نفت این منطقه، سعی می کند ضمن تشریح تکانهای دوگانه پیش از آن، اهمیت تکان سوم نفتی را روشن کند.

وضعیت نفت پیش از وقوع انقلاب اسلامی

نفت نه فقط برای حمل و نقل افراد و فرآورده ها، بلکه برای ادامه فعالیت صنعتی که این افراد را به کار می گرفت و فرآورده ها را تولید می کرد نیز به مصرف می رسید. نفت، هم سوخت بود و هم ماده اولیه زنجیره در حال گسترش صنایع پتروشیمی [۱] [۲] و علیرغم تمام اعلامیه های کنفرانس سران کشورهای صنعتی و توسعه یافته برای کاهش مصرف سوخت، از آنجا که صنعت



برای کمک به کودکان محک
کلیک کنید.



خودروسازی از لحاظ ایجاد شغل، بازرگانی خارجی، مصرف و سرمایه‌گذاری همواره مهمترین صنعت تبدیلی این کشورها بود، این اهمیت روبه‌رشد نفت نیز بدون تغییر افزایش یافت.

علاوه‌براین، نفت از چنان اهمیت استراتژیک برخوردار بود که هیچ جنگی در دنیا، بدون تدارک و ذخیره‌سازی قبلی مقادیر عظیم این ماده، رخ نمی‌داد و وابستگی همه جوامع به نفت چنان شدید بود که میزان پیشرفت اقتصادی هر جامعه‌ای، با میزان مصرف آن سنجیده می‌شد؛ به‌حدی که حتی امروزه هم این معیار کماکان صدق می‌کند. درواقع، نفت با توسعه عجین شده است. هم‌اکنون زوال و شکوفایی بسیاری از کشورها به میزان دسترسی آنها به نفت بستگی دارد و به‌ویژه در جوامع صنعتی، نفت در مرکز همه امور آنها قرار گرفته است. ژرژ کلمانسو [ii][ii] جمله مشهوری دارد که می‌گوید: «یک قطره نفت ارزش یک قطره خون را برای ملت‌ها و خلق‌ها دارد.» نفت برای جوامع صنعتی کنونی درواقع به منزله خون وسایط نقلیه مدرن می‌باشد که حیات و فعالیت این جوامع را به خود وابسته کرده است.

نفت در قرن بیستم همواره یکی از عوامل اساسی شکل‌دهی به نظام اجتماعی و سیاسی کشورهای صادرکننده و مصرف‌کننده و نیز از منابع اصلی قدرت در ظهور و سقوط دولتها در کشورهای نفت‌خیز بوده است. در دوران زمامداری نیکسون، رئیس‌جمهور چند دوره پیش آمریکا، رابطه میان نوع حکومت در کشور صادرکننده نفت و استراتژی آشکار شد. لنچافسکی دراین‌باره می‌نویسد: «از سالیان پیش ایالات‌متحده آمریکا و اروپای غربی عموماً ادامه حیات و توفیق امتیازات نفتی خود را با برقراری رژیم‌های محافظه‌کار در کشورهای نفت‌خیز، برابر دانسته بودند.» [iii][iii] جریان ملی‌شدن صنعت نفت در ایران، انقلاب 1337.ش/1958.م عراق و به‌دنبال آن قانون 1340.ش/1961.م این کشور مبنی بر ملی‌کردن بیش از نودوپنجم درصد حوزه امتیاز شرکت نفت عراق، کودتای ملک فیصل علیه برادرش ملک‌سعود در عربستان سعودی و کودتای مهر 1348.ش/سپتامبر 1969.م. لیبی، همگی درواقع نمونه‌هایی از این ارتباط میان نفت و سیاست را نشان می‌دهند.

اما این ماده با ارزش و حیاتی به قیمتی بسیار اندک خریداری می‌شد و برای کشور تولیدکننده جز رنج تحولات طاقت‌فرسای اجتماعی، نتیجه‌ای نداشت. از اوایل قرن بیستم، قیمت نفت با توافق شرکت‌های بزرگ نفتی [iv][iv] و کشورهای تولیدکننده تعیین می‌شد و این قیمت، مبنای محاسبه بهره مالکانه [v][v] این کشورها قرار می‌گرفت و بهره مالکانه، منبع اصلی و اغلب تنها منبع درآمد این کشورها به‌شمار می‌رفت و درنتیجه، بودجه، سرمایه‌گذاری، واردات و غذای مردم این کشورها به نفت وابسته بود. شرکت‌های نفتی بی‌توجه به تقاضاهای دولتهای تولیدکننده نفت برای مذاکره قبلی با این دولتها، به‌محض وقوع هرگونه تغییر در سیستم قیمت‌گذاری و تغییر در بهای نفت خام، از قیمت‌های اعلام‌شده نفت می‌کاستند. [vi][vi] این کاهش‌های خودسرانه و پی‌درپی قیمت نفت و افزایش‌های جزئی قیمت، به‌هنگام تورم‌های شدید اقتصادی - که درواقع از بی‌توجهی شرکت‌های نفتی به دولتهای نفت‌خیز ناشی می‌شدند - موجب گردید دولتهای نفت‌خیز چندین نوبت به سازماندهی و مهار قیمت‌گذاری نفت در جهت تامین منافع خود پردازند. از جمله این موارد، اقدام این کشورها به تاسیس سازمان اوپک و نیز تلاش آنها در کنفرانس‌های فیما بین به‌منظور تعریف یک فرمول عادلانه برای تعیین قیمت نفت و بهره‌های مالکانه و همچنین تعیین حجم تولید، بودند. [vii][vii] قرارداد تهران در سال 1349.ش/فوریه 1971.م و قرارداد اول ژنو در سال 1350.ش/ژانویه 1972.م - که درواقع مکمل قرارداد تهران به‌شمار می‌رفت - قیمت اعلام‌شده نفت خام را 45/8 درصد افزایش داد و در سال 1351.ش/ فوریه 1973.م، وقتی که دولت آمریکا مجدداً ارزش دلار را ده درصد کاهش داد، کشورهای عضو اوپک طبق موافقتنامه دوم ژنو در بیست‌وچهارم مهرماه 1352/شانزدهم اکتبر 1973 تصمیم گرفتند از یازدهم خرداد (اول ژوئن) همان سال، 9/11 درصد بر قیمت‌های اعلام‌شده قبلی بیفزایند. [viii][viii] این اقدامات، به نخستین قدم‌ها برای تعریف یک فرمول عادلانه جهت تعیین قیمت نفت تبدیل شد.

اقدام دیگر دولت‌های نفت‌خیز، پشتوانه قراردادن نفت به‌عنوان حربه‌ای برای پیشبرد اهداف سیاسی خود در سطح بین‌المللی بود. لنچافسکی با اشاره به کنفرانس 1325.ش/1946.م کشورهای عرب در بلودان سوریه که در آن تهدید کرده بودند از نفت به‌عنوان حربه‌ای در مبارزه با برنامه صهیونیستها استفاده خواهند کرد، ابراز می‌دارد که سه‌درگیری نظامی 1335.ش/1956.م در سوئز، 1346.ش/1967.م در جولان و 1352.ش/1973.م در یوم‌کیپور، درست‌بودن این معادله را به‌نحوگسترده‌ای تایید کرده‌اند. در بیست‌وچهارم مهرماه سال 1352/شانزدهم اکتبر 1973 این تهدید به مرحله اقدام موفقیت‌آمیز تبدیل شد و کشورهای عرب عضو سازمان اوپک، در اجلاس فوق‌العاده کویت تصمیم گرفتند تا زمانی‌که اسرائیل از سرزمین اشغالی اعراب خارج نشده است، برای مدت نامعلومی هرماه به میزان پنج‌درصد از تولید نفت خود بکاهند تا به این شیوه، غرب و حامیان اسرائیل، و از جمله امریکا را وادار سازند تا اسرائیل را به خروج از سرزمینهای اشغالی مجبور کنند.[ix][ix]

علاوه‌براین، اوپک با هدف نزدیک‌شدن به قیمت حقیقی نفت در بازار، به‌طورناگهانی بهای نفت صادراتی خود را در هر بشکه، 12/5 دلار افزایش داد، چنانکه در اواسط آذرماه سال 1352/ اوایل دسامبر 1973، بهای هر بشکه نفت به 51/11 دلار رسید.[x] [x] این مساله موجب شد با وجود مشارکت‌نکردن ایران در تحریم نفتی، از یازدهم دی 1352/ اول ژانویه 1974، حدود 5/4 میلیون بشکه نفت خام در روز، از بازار حذف شود و نگرانی بی‌سابقه‌ای در کشورهای صنعتی به‌وجود آید که خود زمینه کافی را برای افزایش قیمت‌های نفت خام و فرآورده‌های نفتی فراهم کرد.[xi][xi]

نتیجه این تکان نفتی به افزایش چهار برابری قیمت نفت انجامید و کشورهای صنعتی و به‌ویژه ایالات‌متحده ناگزیر از تسلیم شدند. ایالات‌متحده به‌خاطر ظرفیت تولید داخلی پنجاه‌وپنج‌درصدی نفت خود و همچنین ذخیره‌سازی نفت در معادن متروکه نمک واقع در ساحل خلیج امریکا، قادر بود تحریم نفتی را تا مدتها تحمل کند اما اروپا و ژاپن که هشتاد درصد نیاز نفتی خود را از طریق واردات تامین می‌کردند، در اثر این تحریم بسیار متضرر شدند.[xii][xii] از این‌زمان‌به‌بعد، وجود کارتل نفتی اوپک به رسمیت شناخته شد و حتی امریکا مجبور گردید به‌جای مذاکره با یک‌یک رهبران کشورهای تولیدکننده، از آن پس با سازمان اوپک درخصوص قیمت نفت مذاکره کند.[xiii][xiii]

سازمان اوپک پس از لغو تحریم نفتی اعراب در بیست‌وهفتم اسفند 1352/هیجدهم مارس 1974، ضمن حفظ قیمت اعلام‌شده نفت، میزان بهره مالکانه را به بیست درصد و نرخ مالیات را به هشتادوپنج درصد افزایش داد و همزمان درصد بیشتری از سهام شرکت‌های نفتی را در اختیار گرفت؛ درحالی‌که در اوایل دهه 1330_1340.ش/1950_1960.م و در زمان ملی‌شدن نفت ایران، درآمد هر بشکه نفت معمولاً به نسبت هفتاددرصد برای شرکت‌های نفتی و سی‌درصد برای کشورهای تولیدکننده تقسیم می‌شد. در سال 1339.ش/1960.م مصادف با تاسیس اوپک، بی‌آنکه در قیمت‌ها تغییری داده شود، تقسیم درآمد به نسبت پنجاهدرصد برای شرکت‌ها و پنجاهدرصد برای کشورهای، و در سال‌های 1349_1350.ش/1970_1971.م یعنی پس از کودتای لیبی و به‌عده‌گرفتن مذاکرات توسط عربستان و قرارداد تهران، تقسیم درآمد، بر مبنای اختصاص سی‌درصد به شرکت‌ها و هفتاد درصد به کشورها اصلاح شد. یک سال بعد، یعنی پیش از تکان تحریم نفتی، این فرایند به وضع نهایی رسید و تقسیم برای همیشه بر مبنای نودوپنج‌درصد برای کشورهای و پنج‌درصد برای شرکت‌ها تثبیت گردید و شرکت‌ها حقیقی بیش از دریافت اجرت و دستمزد کارشان نداشتند.[xiv][xiv]

اوپک این‌چنین موفق شد در دو زمینه ملی‌کردن صنایع نفت و تقسیم مطلوب‌تر بهره مالکانه و نیز در زمینه بهبود وضع قیمت نفت – که تنها توانسته بود آن را به 3/13 دلار برای هر بشکه نفت خام پایه افزایش دهد[xv][xv] – تاثیر بسزایی بگذارد و در نظر داشت در سال‌های آینده، در صدور نفت تغییر بنیادین صورت دهد و به جای نفت خام، نفت پالایش‌شده را جایگزین نماید. [xvi][xvi] اما هنوز موضوع مهمتر، یعنی قیمت حقیقی نفت، در پیش بود که وقوع انقلاب اسلامی شوک نفتی دیگری را – موسوم به شوک نفتی سوم – وارد ساخت.

شوگ سوم

تکان نفتی انقلاب اسلامی که بسیار شدیدتر و غافلگیرانه‌تر از موارد پیشین بود، تنها پنج‌سال پس از دومین تکان نفتی رخ داد و باعث وقوع یک اختلال اساسی در عرضه نفت گردید؛ چنانکه تولید جهانی نفت را حتی بیش از زمان تحریم 1352.ش/1973.م، کاهش داد. انقلاب اسلامی برای چندمین‌بار نشان داد که وقفه در صدور نفت می‌تواند به‌عنوان یک ابزار سیاست خارجی و یک عامل فشار به وسیله کشوری که در مدار کمونیسم قرار ندارد به کار گرفته شود و بر صدور جریان نفت اثر گذارد. این وقفه در صدور نفت جهانی، گرچه تازگی نداشت اما برای نخستین‌بار بود که تنها از سوی یک کشور صادرکننده عمده نفت صورت می‌گرفت.

در شهریورماه سال 1357، ایران دومین مقام تولیدکننده نفت را پس از عربستان سعودی دارا بود و ده درصد تولید نفت جهان را برعهده داشت. دولت ایران در این ماه، با بیش از شش‌درصد افزایش نسبت به ماه گذشته، روزانه چیزی در حدود شش‌میلیون بشکه نفت خام تولید می‌کرد و با بیش از پنج‌درصد افزایش نسبت به ماه گذشته، به‌طورمتوسط روزانه در حدود سه‌میلیون بشکه نفت به شرکتهای بازرگانی عضو کنسرسیوم می‌فروخت [xvii][xvii] و باوجودآنکه در سراسر دوره 1339_1357.ش/1960_1978.م نیاز جهانی به نفت بدون وقفه افزایش یافته بود، اما هیچ کمبود نفتی در بازارهای بین‌المللی احساس نمی‌شد و هیچ افزایش قیمتی هم در آینده نزدیک قابل پیش‌بینی نبود.

تکان نفتی انقلاب اسلامی ابتدا در بیست‌ویکم مهرماه 1357/سیزدهم اکتبر 1978 به دنبال ناراضی عمومی و به‌صورت کم‌کاری آغاز شد و به‌تدریج با اعتصاب کارگران صنعت نفت ایران اوج بیشتری یافت. این کاهش تدریجی که در نیمه دوم پاییز و در فصلی رخ داد که شرکتهای نفتی معمولاً به دلیل افزایش مصرف نفت در زمستان، انبارهای خود را از ذخیره نفتی انباشته می‌کردند، بازار نفت را چندان متاثر نکرد، اما با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و انعکاس وسیع اخبار آن در سطح جهان، به‌ویژه پس از سفر امام‌خمينی(ره) به فرانسه که دسترسی رسانه‌ها به وی بیشتر شد، مساله نفت جنبه روانی و سیاسی به خود گرفت. امام‌خمينی از ابتدای مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی و استعمار خارجی، به نفت و چپاول این ثروت ملی از سوی استعمارگران و عوامل داخلی آنها پرداخته بود. وی طی سخنانی در نجف، در تاریخ بیست‌ویکم اسفند 1353، ضمن نکوهش سرکوبگریهای شاه و اجبار رژیم برای شرکت مردم در حزب رستاخیز ملت ایران، اظهار کرده بود: «استعمار امریکا از ذخایر هنگفت نفت خود استفاده نمی‌کند و از دیگران می‌خرد که برای مصالح کشورش محفوظ باشد، ولی شاه ایران این طلای سیاه را می‌فروشد و خزانه ایران و ملت را تهی می‌کند و درآمد آن را به‌جای‌اینکه صرف این ملت پابره‌نه و گرسنه نماید، به اربابان استعمارگرش وام می‌دهد و یا اسلحه‌های خانمان‌سوز و مخرب می‌خرد تا از منافع و مطامع استعمارگران در ایران و منطقه، نگهبانی کند و به خونریزی و سرکوبی جنبشهای ضداستعماری ادامه دهد.» [xviii][xviii]

این کاهش تدریجی، هم‌زمان، چه در تولید و چه در صادرات نفت ایران، صورت گرفت، به‌طوری‌که میزان تولید نفت ایران در ماه اکتبر 1978.م به پنج‌ونیم‌میلیون بشکه و در ماه نوامبر به سه‌ونیم‌میلیون بشکه و در ماه آذر 1357/دسامبر 1978 به دو‌میلیون و سیصد‌هزار بشکه در روز رسید. [xix][xix] البته این کاهش تدریجی با افزایش تولید عربستان سعودی، عراق و کشورهای غیرعضو اوپک مانند انگلستان، نروژ و مکزیک جبران گردید و لذا تا اوایل دی‌ماه 1357/ پایان سال میلادی 1978، کمبود قابل‌توجهی در بازار نفت احساس نشد. برای مثال عربستان سعودی که قبل از وقوع انقلاب اسلامی، روزانه هفت‌ونیم‌میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد، پس از قطع صادرات نفت ایران تولید نفت خود را تا ده‌میلیون بشکه در روز افزایش داد. با این‌حال، بازهم در اواخر آبان‌ماه تک‌محموله نفت بیست‌درصد بیشتر از قیمت رسمی اعلام‌شده توسط اوپک، خرید و

فروش می‌شد. همچنین معاملات نفتی به صورت نقد بیش از پیش از رونق افتاد و شرکت‌های نفتی ارسال نفت خود را به فروشندگان دست سوم به میزان ده تا سی درصد کاهش دادند. [xx][xx] این وضعیت همچنان ادامه یافت تا اینکه کارکنان صنعت نفت ایران، صادرات نفت را از ششم دی 1357 به طور کامل قطع کردند و تولید داخلی را به چندصد هزار بشکه در روز - آن‌هم پس از وساطت نمایندگان امام خمینی (ره) برای رفع نیازهای داخلی - محدود کردند. اعمال این محدودیت، بیشتر به این خاطر انجام می‌شد که ارتش ایران قدرت تحرک خود را از دست بدهد؛ کما آنکه پس از مدتی ارتش ایران مجبور گردید از عربستان سعودی و آمریکا، سوخت و دستگاه‌های سوخت‌رسانی وارد کند. [xxi][xxi] در این زمان که یک‌ماه‌ونیم به پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر نمانده بود، تولید اوپک به بیست‌وهشت میلیون و سیصد هزار بشکه در روز - که سه میلیون و هفتصد هزار بشکه کمتر از شهریور 1357/ سپتامبر 1978 بود - تنزل کرد. در این شرایط حتی عربستان هم به خاطر اینکه از حداکثر ظرفیت تولیدی خود بهره‌برداری می‌کرد، دیگر نتوانست تعادل میان عرضه و تقاضا را حفظ کند؛ ضمن آنکه احتمال می‌رفت کارکنان صنایع نفت دیگر کشورهای خلیج فارس نیز به این جریان بپیوندند.

این تکان در حالی وارد شده بود که کشورهای غربی با توجه به نیاز روزافزون صنایع خود به نفت و نیز با هدف مقابله با احتمال وقوع تحریم‌هایی مشابه آنچه در سال 1352.ش/1973.م و پیش از آن اتفاق افتاد، مقادیر هنگفتی نفت ذخیره‌سازی کرده بودند. برای مثال، آسوشیتدپرس درباره برنامه دولت آمریکا برای ذخیره‌کردن مقادیر عظیم نفت در معادن متروکه نمک واقع در ساحل خلیج آمریکا، به نقل از وزارت انرژی این کشور گزارش کرده بود که تا پایان سال 1357.ش/1978.م انتظار می‌رود صد بیست و پنج تا صد و شصت میلیون بشکه در انبارهای زیرزمینی ذخیره شود، در حالی که قبلاً این میزان دویست و پنجاه میلیون بشکه تعیین شده بود. طبق برنامه‌های اولیه این طرح، قرار بود تا سال 1361.ش/1982.م جمعاً پانصد میلیون بشکه نفت ذخیره شود اما جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، خواستار افزایش آن به یک میلیارد بشکه تا سال 1364.ش/1985.م شده بود. [xxii][xxii] [xxii] باین حال، آمریکا فقط حدود ده درصد از واردات نفت خود را از ایران تأمین می‌کرد اما کشورهای اروپایی و ژاپن وابستگی بیشتری به نفت ایران داشتند و اسرائیل نزدیک به هفتاد درصد از نیازهای نفتی و سوختی خود را از ایران تهیه می‌کرد. [xxiii][xxiii] [xxiii] باین وجود، کشورهای غربی به خاطر آنکه در عصر جنگ سرد با اتحاد شوروی به سر می‌بردند و در صدد بودند از هر امکانی برای فلج کردن نظام سوسیالیستی آن استفاده کنند، تمایلی به خرید نفت از مسکو نداشتند. این در حالی بود که اتحاد شوروی از سال 1353.ش/1974.م به بزرگترین تولیدکننده نفت جهان تبدیل شده بود و در سال 1357.ش/1979.م قادر بود روزانه یازده و نیم میلیون بشکه - یعنی حتی بیشتر از عربستان سعودی - نفت تولید کند. این کشور روزانه حدود سه میلیون بشکه نفت صادر می‌کرد و می‌توانست کمبود نفت را جبران کند. [xxiv][xxiv]

اعتصاب کارکنان صنعت نفت ایران تا یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان ادامه یافت و سرانجام در سی‌ام بهمن‌ماه 1357/ نوزدهم فوریه 1979 با صدور اطلاعیه‌ای که خواسته‌های انقلابی کارکنان را مطرح می‌کرد، پایان یافت. آنها در این اطلاعیه موارد زیر را خواستار شده بودند: «لغو کلیه قراردادهای استعماری شرکت ملی نفت ایران با شرکت‌های خارجی و رسیدگی به کلیه پیمان‌های زیان‌بار گذشته... اعمال حاکمیت شرکت ملی ایران بر کلیه عملیات و تعطیل مراکز استعماری تحمیلی مانند شرکت خدمات نفت ایران در لندن (عامل کنسرسیوم نفتی) و تمرکز کلیه فعالیت‌های بازرگانی صنعت در ایران... پاکسازی محیط صنعت نفت از عناصر ضد مردمی و ارتجاعی در تمام سطوح و رسیدگی به جرایم خائنان و وابستگان بیگانه صنعت در دادگاه، به اضافه انحلال ادارات و حذف پست‌های زاید تولید و صدور نفت بر اساس محاسبات اقتصادی فنی، به نحوی که بازدهی منابع در بلندمدت به حداکثر و هزینه تولید نفت و گاز زاید بر احتیاج به حداقل برسد... جلوگیری از استخدام خارجی‌ان و استفاده از کارشناسان موجود در صنعت نفت و دعوت از کارشناسانی که در دوران استبداد ترک شرکت نموده یا به وسیله عمال امنیتی رژیم سابق دستگیر و اخراج شده و یا به دلایل سوابق مخالفت با رژیم سابق از استخدامشان در شرکت

جلوگیری شده و یا اجباراً دور از وطن مانده‌اند، استخدام رسمی تمام کارکنان پیمانی ایرانی توسط این صنعت در جهت رفع استثمار توسط پیمانکاران نیروی انسانی.» [xxv][xxv]

با وجودی که مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، طی پیامی به ملت ایران، بر اهمیت تولید و صادرات نفت تأکید کرده بود و توضیح می‌داد «اگر نفت ما صادر نشود و فروخته نشود... ما پول نداریم و انقلاب همین‌جا از بین می‌رود.» [xxvi][xxvi] اما کارکنان صنعت که به‌تازگی مشغول به‌کار شده بودند، ضمن خودداری از صدور نفت به خارج از کشور، فقط هفتصد هزار بشکه در روز برای مصارف داخلی تولید می‌کردند. آنها تولید گاز را هم که قبل از اعتصابات روزانه به سی‌وهشت میلیون مترمکعب بالغ می‌شد و از این میزان، بیست‌وپنج تا سی‌میلیون مترمکعب آن به شوروی صادر می‌گردید، تا میزان مصرف داخلی، یعنی به روزانه سه میلیون مترمکعب، کاهش دادند و اعلام کردند برای صدور نفت به غرب و گاز به شوروی، منتظر دستور امام‌خمينی خواهند ماند. [xxvii][xxvii] در واقع در وضع انقلابی، دولت موقت تصمیم‌گیرنده نبود بلکه کمیته کارگری کارکنان صنعت نفت شرایط را تعیین می‌کرد. آسوشیندپرس در گزارشی از آبادان این وضعیت را به‌روشنی ترسیم کرده است: «صنعت نفت ایران که زمانی از لحاظ تولید دومین مقام را در جهان داشت، اینک در اختیار کارگرانی است که خواهان نقش عمده‌ای در تصمیم‌گیری مربوط به مشتریان نفتی ایران و بهای آن هستند... مدیرانی از صنایع نفت از رژیم گذشته باقی مانده‌اند، احتیاط فراوان می‌کنند که تصمیم‌هایی معارض با خواسته‌های کارگری نگیرند. حتی حسن نزیه که از جانب دولت موقت به مدیریت شرکت ملی نفت ایران منصوب شده است، هنوز هیچ تغییری در مقام‌های اداری نداده است. در کمیته‌های کارگری هیچ‌یک از اعضای مدیریت، شرکت ندارند و قدرت در دست کارگرانی است که از رهبری آیت‌الله خمینی پیروی می‌کنند. اعضای کمیته‌ها به‌طور عمده همان رهبران اعتصاب هستند و در مبارزه علیه رژیم سابق شرکت کرده بودند.» [xxviii][xxviii]

حسن نزیه، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، طی سخنانی این وضعیت انقلابی حاکم بر صنعت نفت ایران را چنین تشریح کرده است: «از روزی که رژیم سابق سقوط کرد، کارگران و کارکنان صنعت نفت شبانه‌روز مراقب شدند که یک قطره از نفت ما به اسرائیل و آفریقای جنوبی صادر نشود که این بسیار غرورآمیز است.» [xxix][xxix] وی در اجتماع کارکنان این شرکت، ضمن تأیید خواسته‌های کارکنان، اعلام کرد این شرکت برای حفظ منافع کشور، دیگر با کنسرسیونم نفت قراردادی نخواهد بست و نفت خود را به هر شرکت نفت خارجی که خواست، خواهد فروخت؛ [xxx][xxx] و به‌این‌ترتیب به استقبال «مشکل دیگری در آینده» - آنچه که علی باستانی آن را «جنگ حقوقی و رقابت در صحنه بازارهای جهانی و فشار از طریق کمپانیهای نفتی آمریکا و انگلیس و فرانسه و هلند» نامید - [xxxi][xxxi] شتافت.

بالاخره در سالگرد درگذشت مصدق در چهاردهم اسفند 1357/پنجم مارس 1979، پس از هفتاد روز قطع نفت و پس از اعطای «هدیه ناچیز» هیات وزیران دولت موقت به صندوق تعاون کارکنان صنعت نفت، [xxxii][xxxii] اولین محموله صادراتی ایران، توسط کشتی ورلدامباسادور ژاپنی بارگیری شد. روزنامه اطلاعات گزارش داد که از قرار معلوم، ایران نفت خود را به ازای هر بشکه، هیجده تا بیست‌دلار به فروش می‌رساند و قرار است تولید نفت خود را در آینده، حداکثر تا چهارمیلیون بشکه در روز ثابت نگه‌دارد. [xxxiii][xxxiii]

دولت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره استراتژی قیمت بالا را تبلیغ و تعقیب کرد؛ به‌طوری‌که در اسفند 1357/مارس 1979 قیمت هر بشکه نفت خام پایه به چهارده‌ونیم‌دلار افزایش یافت و در میان اعضای اوپک تمایل شدیدی به ادامه افزایش قیمت نفت پیدا شد. حسن نزیه، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در کنفرانس اوپک، اظهار کرده بود: «کمبود کنونی نفت را کشورهای مصرف‌کننده با ذخیره‌کردن نفت به‌وجود آورده‌اند نه کشورهای تولیدکننده... اوپک هم‌اکنون دو تا سه درصد بیش از سال گذشته نفت تولید می‌کند و... علیرغم افزایش بهای نفت، [قیمت نفت] هنوز ارزان‌تر از آب معدنی است.» [xxxiv][xxxiv] چندی نگذشت که قیمت هر بشکه نفت خام به بیست‌وسه‌ونیم‌دلار افزایش یافت و در سال 1359.ش/1980.م اوپک

تصمیم گرفت حداقل قیمت پایه نفت را در سطح سی و دو دلار برای هر بشکه تثبیت کند و حداکثر قیمت نفت خام مرغوب را چهل و یک دلار تعیین کرد. [xxxv][xxxv] این افزایش قیمت که به صورت تک‌محموله حتی تا سقف بشکه‌ای چهل و پنج دلار نیز معامله می‌شد، بیش از سه برابر قیمت اعلام‌شده نفت قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بود. (به جدول نگاه کنید)

حجم صادرات، بهای نفت و ارزش صادرات نفت کشورهای حوزه خلیج فارس قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران

(منبع: OPEC Annual Statistical Bulletin, and Die Golfstaaten, a. a. O., S. 116-177 به نقل از: الهی، صص 223-228)

این افزایش قیمت نفت خام از سوی کشورهای صادرکننده نفت، موجب کاهش رشد جهانی شد. «رشد تولیدات صنعتی آمریکا از 4/4 درصد به 6/3 درصد در سال 1359/1980 و 6/2 درصد در سال 1360/1981 رسید و در سال 1361/1982 به‌نحوبسیار فاجعه‌آمیزی کاهش یافت. کاهش رشد تولیدات صنعتی در مورد آلمان غربی و ژاپن و سایر کشورهای صنعتی نیز... قابل‌ملاحظه بود.» [xxxvi][xxxvi] شدت این خسارت برای کشورهای غربی صنعتی چنان بود که به‌طور جدی به فکر جایگزینی برای سوخت نفت برآمدند. جیمز شلزینگر، [xxxvii][xxxvii] وزیر انرژی وقت آمریکا، در این باره گفته بود: «تنها راه‌حل واقعی آن است که همه تاسیسات صنعتی خود را با تاسیسات جدیدی که بر تکنولوژی و انرژی دیگری مبتنی باشد جانشین کنیم. یعنی ظرف ده سال کارخانه‌ها، بناها، منازل مسکونی، حمل‌ونقل و غیره را از نو و خارج از وابستگی به نفت بسازیم.» [xxxviii][xxxviii]

گسست در وضعیت کلی منطقه

گرچه دولت آمریکا پیش از انقلاب اسلامی فقط چیزی در حدود ده درصد از نفت مورد نیاز خود را از ایران تامین می‌کرد و از این رو ظاهراً انتظار می‌رود که آمریکا کمتر از دیگر کشورهای واردکننده نفت از شوک نفتی انقلاب متأثر شده باشد، اما به‌لحاظ آنکه در کل این شوک نفتی تبعات درازمدتی را بر جای گذاشت که سرنوشت نفت در کل منطقه و جهان را به‌گونه‌ای پایدار متأثر ساخت، در واقع باید گفت آمریکا به‌لحاظ آنکه ترتیبات امنیتی خود در منطقه را تا حد زیادی بر مبنای نفت چیده بود، با ازدست‌دادن ایران بیش از دیگر کشورهای غرب متضرر و متأثر گردید؛ لذا در ادامه سعی خواهیم کرد به تأثیرگذاری خاص پیروزی انقلاب و شوک نفتی سوم بر وضعیت آمریکا در منطقه بپردازیم تا اهمیت این مساله هرچه بیشتر روشن شود.

در اواخر جنگ دوم جهانی، ایالات متحده و ایران به تقویت روابط خود پرداختند و با ارتقای سطح روابط از وزیرمختاری به سفارت کبری، به تدریج روابط خود را در تمامی زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی گسترش دادند. این موضوع از طریق دخالت پنهانی در جریان کودتای بیست‌وهشتم مرداد 1332 و سیاست تقویت رژیم پهلوی، موجب شد تا حتی ایالات متحده سرنوشت خود را به سرنوشت رژیم پهلوی در ایران پیوند دهد. ایالات متحده با اتخاذ سیاست جهانی مبارزه با کمونیسم و محاصره اتحاد شوروی در سرزمین اصلی خود، ایران را نیز به جرگه هم‌پیمانان خود در اتحادیه‌های نظامی بغداد و سنتو وارد کرد و با امضای موافقتنامه دفاع متقابل، مسئولیت دفاع از حکومت ایران از خطرات و تهدیدات خارجی و داخلی را نیز برعهده گرفت و ایران هم متقابلاً ژاندارمی منطقه خلیج فارس را به طیب‌خاطر پذیرا شد. اما پیروزی انقلاب اسلامی در بیست‌ودوم بهمن 1357/ یازدهم

فوریه 1979 بزرگترین و شدیدترین شوک را به ترتیبات امریکا در منطقه وارد ساخت. این مساله به‌ویژه در زمینه نفت برای دولت امریکا بسیار مشکل‌ساز گردید. روزنامه نیویورک‌تایمز چندی پس از پیروزی انقلاب، در تشریح سیاست شکست‌خورده کارتر، رئیس‌جمهور امریکا، نوشت: «امریکا دو رشته منافع عمده دارد و بعید به‌نظر می‌آید که این منافع از این‌پس تامین بشوند. نخست نفت است... ماهها طول می‌کشد تا تولید نفت به حالت سابق بازگردد و در حال غرب باید پول بیشتری برای خرید نفت بپردازد. مساله دیگر... آن است که ایران تنها یک صادرکننده ساده نفت نبود بلکه از گذرگاه عبور نفت به غرب یعنی جریان آن در خلیج‌فارس حفاظت کامل می‌کرد. هنوز معلوم نیست دولت تازه ایران نیز مایل به ایفای چنین نقشی خواهد بود... ایران ممکن است با امریکا به خصومت بپردازد و یا هوادار شوروی شود. در هر کار، همه‌نوع امکانی وجود دارد و امریکا باید با واقعیتها روبرو شود.» [xxxix][xxxix]

البته انقلاب اسلامی که سیاست خارجی خود را بر پایه اصل نه‌شرقی‌نه‌غربی قرار داده بود، از پیوستن به سیستم امنیتی رقیب امریکا یعنی شوروی و بلوک شرق نیز خودداری کرد، اما با کناره‌گیری خود از سیستم امنیتی ایالات‌متحده موجب شد عملاً روند اجرای استراتژی منطقه‌ای امریکا مختل گردد. از دیدگاه ایالات‌متحده، انقلاب اسلامی خلأ قدرت قابل‌توجهی را در منطقه ایجاد کرد چنانکه دولت امریکا مجبور شد مواضع منطقه‌ای خود را مورد تجدید و بازنگری قرار دهد. غرب معتقد بود ایران «برای پیروزی در جنگ احتمالی آینده باید در دست غرب باشد و به تصرف دشمن درنیاید.» [xi][xi] اما با پیروزی انقلاب اسلامی، اینک این کشور موضعی ضدامریکایی اتخاذ کرده بود و با هرگونه سیستم امنیتی غرب در منطقه بنای مخالفت گذارده و به یک کشور ضدامریکاییست و ضدامریکا تبدیل شده بود. [xli][xli] این موضوع نگرانی غرب و به‌ویژه سیاستمداران امریکایی را چنان تشدید کرد که امریکا را در اوج شکست نشان می‌داد. هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه اسبق امریکا، در یازدهم بهمن 1359/سی‌ویکم ژانویه 1981 در تبیین فاجعه از دست‌دادن رژیم شاهنشاهی در ایران چنین اظهار کرد: «ایران در میان کشورهای منطقه، صرف‌نظر از اسرائیل، دوستی با امریکا را نقطه آغاز سیاست خارجی خود قرار داده بود... نفوذ ایران همواره در حمایت از ما اعمال می‌شد. امکانات و کمک‌های ایران، حتی در برخی از معاملات و قراردادهای گوشه و کنار جهان، باعث تقویت امکانات و کمک‌های خود ما نیز می‌شد. شاه بدون‌قیدوشرط به ناوگانهای ما سوخت می‌رساند و هرگز از سلطه خود بر منابع نفتی، برای اعمال فشارهای سیاسی استفاده نمی‌کرد. وی هرگز به هیچ تحریم نفتی علیه غرب یا اسرائیل نپیوست. ایران در زمان شاه یکی از بهترین و وفادارترین دوستان ما در جهان بود.» [xlii][xlii]

خلاصه‌آنکه اختلال در تولید و عرضه نفت به غرب و همچنین اتخاذ سیاستهای رادیکال و استقلال‌گرایانه از سوی ایران و تلاش این کشور برای افزایش‌دادن قیمت نفت و اعمال کنترل بر میزان تولید آن پس از انقلاب اسلامی، غرب و از جمله ایالات‌متحده را شدیداً از بابت تامین این نیاز حیاتی صنایع داخلی‌شان نگران ساخت.

گسست و شکافی که به تبع پیروزی انقلاب اسلامی در وضعیت امنیتی منطقه خلیج‌فارس رخ داد، غریبها را متوجه ساخت که حلقه دفاع منطقه‌ای‌شان نه‌تنها در مواجهه با شوروی بلکه در برابر ملت‌های مسلمان مخالف امپریالیسم، کارآمد نیست و از این‌سو کشورهای منطقه نیز تحت‌تاثیر انقلاب اسلامی متوجه ضعف غرب و امریکا شدند و از آن پس بود که تحت‌تاثیر تحریکات و پافشاریهای ایران، قیمت نفت افزایش یافت؛ چنانکه قیمت آن در مدت چند سال تا سه برابر افزایش یافت.

[i][i] - مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، تهران، پیام، 1358، صص 50_30؛ ژان - ژاک سروان - شرابیر، تکاپوی جهانی، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نشر نو، چاپ ششم، 1365، صص 58_57

[ii][ii] - Georges Clemenceau

[iii][iii] - جورج لنچافسکی، روسای جمهور امریکا و خاورمیانه: از ترومن تا ریگان، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، 1373، ص 202

[iv][iv] - Majors

[v][v] - بهره مالکانه قسمتی از نفت خام است که به مالک معدن تعلق می‌گیرد که ممکن است به صورت نفت خام تحویل گردد و یا می‌توان قیمت آن را پرداخت.

[vi][vi] - همایون الهی، خلیج فارس و مسائل آن، نشر قومس، ص 220، در سال 1900 قیمت هر بشکه نفت (هر بشکه نفت برابر 159 لیتر است) تنها 20/1 دلار بود. سی سال بعد، همزمان با سقوط وال استریت و بحران اقتصادی غرب، قیمت هر بشکه برعکس با 1 سنت کاهش 19/1 دلار شد. پس از نخستین پیامدهای معامله جدید (Deal New) فرانکلین روزولت و به‌راه افتادن چرخهای اقتصادی ایالات متحده، قیمت هر بشکه باز هم کاهش یافت و به 10/1 دلار رسید. پس از حمله ژاپن به پرل هاربور و مداخله امریکا در سال 1941 در جنگ دوم جهانی، قیمت هر بشکه تنها 4 سنت افزایش یافت. پیروزی متفقین، برقراری نظام پولی نوین بر پایه دلار، به‌اجراء آمدن برنامه مارشال، موجب شد که قیمت هر بشکه افزایش یافته به 70/1 دلار بالغ شود. سرانجام ده سال بعد، در تاریخ 23 شهریور 1339/14 سپتامبر 1960 در گردهمایی بغداد که به تاسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت اوپک (OPEC= Organisation of the Petroleum Exporting Countries) انجامید، (برای مطالعه بیشتر، رک: محمد سریر، سازمان کشورهای صادرکننده نفت اوپک و دیدگاههای آینده در وزارت امور خارجه، 1367، ص 186) قیمت هر بشکه به 80/1 دلار افزایش یافت. (ژان - ژاک سروان - شرابیر، همان، ص 19)

[vii][vii] - همان، صص 23_20

[viii][viii] - برای توضیح بیشتر از تاثیرات این قرارداد بر نفت رک: همان، ص 75؛ و ایرج ذوقی، ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ دوم جهانی، تهران، پازنگ، 1368، ص 330

[ix][ix] - ایرج ذوقی، همان، ص 331؛ و میرطیب موسوی و علیرضا امینی، نفت: سیاست و اقتصاد، تهران، خط سوم، 1379، ص 241

[x][x] - ایرج ذوقی، همان، ص 330

[xi][xi] - میرطیب موسوی و علیرضا امینی، همان، ص 241

[xii][xii] - ژان - ژاک سروان - شرابیر، همان، صص 66 و 86

[xiii][xiii] - همان، ص 73

[xiv][xiv] - همان، ص 75

[xv][xv] - ایرج ذوقی، همان، ص331؛ و میرطیب موسوی و علیرضا امینی، همان، ص245

[xvi][xvi] - اطلاعات، 23/1/1357

[xvii][xvii] - اطلاعات، 12/7/1357

[xviii][xviii] - امام‌خمینی، مجموعه آثار، ج3، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، 1368، ص73

[xix][xix] - میرطیب موسوی و علیرضا امینی، همان، ص245

[xx][xx] - پیر ترزیان، داستان اوپک، ترجمه: عبدالرضا غفرانی، تهران، فراندیش، 1367، صص351-350

[xxi][xxi] - عباس قره‌باغی، اعترافات ژنرال، تهران، نشر نی، 1364، ص 142؛ رابرت هایزر، ماموریت در تهران، ترجمه: ع رشیدی، تهران، اطلاعات، 1365، صص31-30، ولی سالیوان در خاطرات خود از کشتی نفتکش نیروی دریایی آمریکا که محموله مواد تصفیه‌شده از بحرین را به بندرعباس منتقل کرده یاد می‌کند که با مخالفت کارکنان صنعت نفت از نزدیک شدن به اسکله و تخلیه محموله آن جلوگیری شد. ویلیام سالیوان، ماموریت در ایران، ترجمه: محمود مشرفی، تهران، هفته، چاپ دوم، 1361، ص168

[xxii][xxii] - اطلاعات، 23/12/1356، ص33

[xxiii][xxiii] - جمیله کدیور، رویارویی: انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران، اطلاعات، 1374، ص83

[xxiv][xxiv] - ژان - ژاک سروان - شرابیر، همان، ص105

[xxv][xxv] - اطلاعات، 30/11/1357، ص12

[xxvi][xxvi] - اطلاعات، 1/12/1357، ص3

[xxvii][xxvii] - همان.

[xxviii][xxviii] - اطلاعات، 7/12/1357، ص1

[xxix][xxix] - اطلاعات، 6/2/1358، ص7

[xxx][xxx] - اطلاعات، 10/12/1357، ص8

[xxxi][xxxi] - اطلاعات، 13/12/1357، ص8

[xxxii][xxxii] - اطلاعات، 14/12/1357، ص2

[xxxiii][xxxiii] - همان.

[xxxiv][xxxiv] - اطلاعات، 9/4/1358، ص12

[xxxv][xxxv] - ایرج ذوقی، همان، صص333-332

[xxxvi][xxxvi] - جمیله کدیور، همان، ص85

[xxxvii][xxxvii] - James Schlesinger .xxxvii

[xxxviii][xxxviii] - ژان - ژاک سروان - شرایبر، همان، ص63

[xxxix][xxxix] - اطلاعات، 25/11/1357

[xl][xl] - آندره فونتن، تاریخ جنگ سرد، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ج2، تهران، نشر نو، 1366، ص159؛ و بنجامین شوادران، خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، ترجمه: عبدالحسین شریفیان، تهران، امیرکبیر، 1354، ص7

[xli][xli] - دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جنگ و تجاوز جبهه امپریالیستی علیه انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات منتشرنشده)، تهران، بی‌نا، 1360، ص63

[xlii][xlii] - اطلاعات، 11/11/1359

منابع (نشریه):

زمانه 1385 شماره 43

نظرات بینندگان

نام و نام خانوادگی:

پست الکترونیکی (email):

* متن نظر:

از نو

ارسال